

مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

پایه هیئت اجراییه کمیته مرکزی حزب توده ایران در باره مانور
الی ستو و ورود ناوگان آمریکا به خلیج فارس و دریای عمان

علیرغم مقاومت ارتجاعی ترین نیرو های امپریا
لیستی، مبارزه در راه تحکیم صلح جهانی بیرونیهای
نوبنی بدست می آورد. مذاکراتی که روز های ۲۳ و
۲۴ نوامبر در منطقه ولادی وستوک میان لئونید برژنف
دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی
و چرلر فورد رئیس جمهوری ایالات متحده آمریکا
صورت گرفت قدم مهم جدیدی در این زمینه بود.
ملاقات ولادی وستوک با نتایج مثبت خود امید

در راه تحکیم صلح

های استراتژیک برای دوران پس از سال ۱۹۸۵ از سر
گرفته شود. در مورد مسائل مهم دیگری از قبیل روابط
بازرگانی، اقتصادی، علمی، فنی و فرهنگی میان
آمریکا و شوروی نیز پیشرفتهای جدیدی بدست آمد.
مسائل جهانی و بویژه مذاکرات مختلفی که
بمنظور برطرف نمودن کانون تشنج بین المللی و تحکیم
صلح و امنیت جریان دارد، از جمله مذاکرات درباره
امنیت و همکاری در اروپا، تقابل متقابل نیرو های
سلاح و تسلیحات در اروپای مرکزی مورد توجه خاص
قرار گرفت. هر دو طرف استقلال، حاکمیت و تمامیت
ارضی قبرس را تأیید و اعلام داشتند که کلیه مجاهدات
دنباله در صفحه ۲

خلقهایی صلح دوست جهان را برآورد. قبل از هر چیز
هر دو طرف در محیط صراحت و تفاهم تصمیم خود
را دایره به ادامه توسعه روابط شوروی و آمریکا در جهت
تصمیمات اصولی مشترک و معاهدات و موافقتنامه های
اساسی متعده میان دو کشور در سالهای اخیر تأیید
نمودند. در باره مسئله کلیدی برنجی مانند بر طرف
نمودن خطر جنگ هسته ای و پایان دادن به سابقه
تسلیماتی نتایج مهمی بدست آمد. طرح موافقتنامه
جدید ده ساله (تا سال ۱۹۸۵) در باره محدود ساختن
سلاحهای تهاجمی استراتژیک تنظیم گردید و توافق
بعمل آمد که حد اکثر تا پایان سال ۱۹۸۱ مذاکرات
بعدی در باره محدود ساختن مجدد و تقابل ممکن سلاح

دم ایران به تهدیدات و تحریکات نظامی

ریالیستهای امریکائی و انگلیسی و رژیم شاه در خلیج فارس

و اقیانوس هند بشدت اعتراض میکنند

قدرت نمائی شاه در خلیج فارس، که بصورت
خبر شاه از نیروی دریایی ایران در خلیج فارس
کروز، سپس مانور اخیر نیروی دریایی اعضاء
نظامی تجاوز کارانه ستو در خلیج فارس و دریای
که بنا به اظهار رسمی محافل ستو بزرگترین
بانی است که تاکنون در اقیانوس هند صورت
بدنیل آن ورود ناوگان آمریکا به دریای عمان
فارس موجب نگرانی شدید و بحق همه خلفا
ای ضد امپریالیستی این منطقه گردیده است.
اهمیت این قدرت نمائی و مانور و نگرانی
آن فقط در این نیست که هر اقدامی از این
روی خود چیزی جز کوشش برای تأمین هدف
به طلبانه و تجاوز کارانه امپریالیستهای امریکائی
سی و دستیاران آنها نمیتواند باشد، بلکه
برای این قدرت نمائی و مانور انتخاب شده
که در آن یکار رفته و هدفهای ویژه ای که
تعیین گردیده - بر زمینه اوضاع و احوال
جهانی و منطقه - نیز به این مانور و قدرت
خاص میدهد.
زمانی که به برکت مبارزه جبهه عظیم نیروهای
پالیستی جهانی و مهمترین و نیرومند ترین
جامعه کشور های سوسیالیستی، که در مرکز
باز شوروی قرار دارد، گمهای جدی در راه
خامش، حفظ صلح و پیشبرد سیاست همزیستی
آمین برداشته شده است، هنگامیکه مبارزه
دولتهای ضد امپریالیستی در منطقه خلیج فارس
ن هند علیه پایگاههای نظامی امپریالیستی
ایگاه اتمی آمریکا در جزیره دیکو گراسیا
اقیانوس هند، علیه مسابقه تسلیحاتی، علیه

تحریک و تجاوز افزایش می یابد - که تظاهر آن در
کفرانس صاحب دهلی نو مشاهده شد - و قتیکه مبارزه
کشور های تفخیز برای افزایش بهی نفت و احراز
حق حاکمیت ملی بر منابع نفت، کشور های امپریا
لیستی را در تنگنا قرار داده است - که تظاهر آن
در مبارزه و موقعیتهای اوک بچشم میخورد - در چنین
زمانی قدرت نمائی شاه و ورود ناوگان آمریکا بدریای
عمان و خلیج فارس و بزرگترین مانور دریایی ستو
صورت میگیرد که حتی بنا به اظهار نظر صریح
محافل نظامی آمریکا (اینترناشنال هرالد تریبون، مورخ
۲۲ نوامبر ۱۹۷۴) هدف آن نشان دادن قدرت دریایی
پیمان در برخورد به خلیج فارس و غنی ترین منابع
نفت جهان است. و اگر بیاد بیاوریم که چندی
پیش محافل پتاکون از امکان دخالت نظامی آمریکا
علیه کشور های تفخیز سخن گفتند، آنوقت مطلب
باندازه کافی روشن میشود که:
امپریالیستهای امریکائی و انگلیسی و دستیاران
آنها در منطقه میخواهند با تهدید و تحریک و اعمال
قدرت نظامی، مواضع اقتصادی - و قبل از همه نفت -
سیاسی و نظامی خود را در منطقه حفظ کنند، روند
کاهش وخامت را متوقف سازند، جنبه های ضد امپریا
لیستی را از گسترش و پیشروی باز دارند و در صورت
امکان سرکوب کنند، در تکامل مترقی دولتهای ضد
امپریالیستی اخلال کنند و در صورت امکان آنها را
ساقط نمایند. قدرت نمائی آمریکا و شاه و مانور دریایی
ستو مهره ای است در این بازی شیطانی علیه صلح و
امنیت منطقه، علیه استقلال و حاکمیت ملی خلق
ضد امپریالیستی منطقه، علیه منافع و مصالح ملی خلق
های منطقه.
دنباله در صفحه ۲

سازمان امنیت با وجود درندگی قدر قدرت نیست

و برخی دیگر به اشکال و شیوه های نادرستی از مبارزه
متوسل میشوند. در حالیکه بنظر ما سازمان امنیت
با وجود درندگی و جهمی بودنش، قدر قدرت نیست
یعنی اصول معینی رعایت شود، نه فقط در همین شرایط
تور و اختناق و در زیر چشم سازمان امنیت میتوان
مبارزه کرد، بلکه میتوان این مبارزه را هر روز گسترش
داد. ما این اصول را بتفصیل در رادیوی یک ایران
تشریح کرده ایم و نیز آنرا در جزوه ای تحت عنوان
«یادداشتی در باره کار سازمانی در شرایط تور و
اختناق کنونی» منتشر ساخته ایم، که میتواند مورد
استفاده مبارزان انقلابی قرار گیرد. در اینجا فقط بختصار
این اصول را یادآوری میکنیم:
(۱) نخستین شرط هر مبارزه ای اعتماد به مردم
و استفاده از احساسات انسانی و میهنی مردم است.
هرگز نباید فراموش کرد که طبقات حاکمه ایران و
نوکران آنها - از جمله آنها که در سازمان امنیت اند -
در مقایسه با مردم ایران گروه کوچکی را تشکیل
میدهند. از این گروه کوچک غارتگر، ظالم، فاسد
و مزدور که بگذریم، آن اکثریت عظیم از مردم
ایران که باقی میماند زحمتکش است، شریف است.
دنباله در صفحه ۲

در این واقعیت که سازمان امنیت ایران
بعنوان ابزار اصلی حکومت دیکتاتوری شاه، یکی
از درنده ترین و مخوف ترین سازمانهای پلیسی جهان
است، هیچ فرد آزاده و میهن پرست ایرانی کمترین
توریدنی ندارد. این سازمان جهمی مردم آزاده و میهن
پرست را تعقیب میکند، بزندان می اندازد، شکنجه
میدهد، میکشد، بدون آنکه هیچ قانونی بپذیرد
باشد، بدون آنکه در برابر هیچ مقام قانونی و صلاحیت
داری مسئول باشد، بدون آنکه هیچ مرزی برای
جنایات خود بشناسد. چه زندگی ها که بر باد رفته،
چه شخصیت ها که خرد شده و چه جانها که نیست
گردیده است، آنهم با رقم دهها و صدها هزار ها!
سازمان امنیت میهن عزیز ما ایران را بیک زندان بزرگ
مبدل کرده، که بر سر آن یک میر غضب نشسته است.
سازمان امنیت ننگ ابدی برای کسی و کسانی است
که آذرا ابزار حکومت خود قرار داده اند.
ولی این واقعیت تلخ و سهمگین، که خشم
و نفرت هر ایرانی آزاده و میهن پرست را برمیانگیزد،
در عین حال موجب پرور و واکنش اشتباه آمیز و
نادرست در بین مخالفان رژیم شده است: برخی ها
مبارزه را در چنین شرایطی بیفایده و بی سرانجام میبینند

کارگران ساختمانی برای اجرای خواسته های خود مبارزه میکنند

بالاخره خواست عمده کارگران ساختمانی آزادی فعالیت
سندیکائی و اتحادیه ای است. کارگران ساختمانی
تنها از راه تشکل در سازمانهای مستقل و آزاد صنفی
خواهند توانست شرایط کار و زندگی خود را بهبود
بخشند و ثلوت و کارفرمایان را به رعایت حقوق قانونی
خود وادار سازند.
سأله است مقامات دولتی و وزارت کار به کار
گران ساختمانی وعده اجرای خواسته های آنان را میدهند.
لیکن تا همین امروز توده عظیم کارگران ساختمانی از
استفاده از مزایای قوانین موجود کار محروم نگاه داشته
شده اند. مقامات دولتی حتی همان مصوبات کنفرانس
های پنجم و ششم کار را که در سال گذشته و جاری
تشکیل گردید و اجرای بیمه و تأمین فعالیت سندیکائی
را به کارگران ساختمانی وعده داد به اجرا در نیآورده اند.
استثمار کارگران ساختمانی هم اکنون در شرایط تسلط
واسطه ها و دلالان در بازار کار و تمدی و اجحاف کار
فرمایان آرمند و مظلومه کاران خارجی و داخلی در
محیط کار صورت میگیرد.
کارگران ساختمانی برای اجرای وعده های
مقامات دولتی و وزارت کار باندازه کافی و بیش از حد
صبر و حوصله نشان داده اند. اما این صبر و حوصله
جز تشدید استثمار و تضییع حقوق نتیجه دیگری نبار
نیآورده است. تجربه نشان داده است که تا زمانی که
مبارزات صنفی وسیع، مستقل و آزاد کارگران ضامن
اجرای خواسته های آنان نباشند مقامات دولتی و کارفرمایان
حتی به وعده ها و تعهدات قانونی خود نیز عمل نمیکند.
بزودی نزدیک به یک میلیون نفر باشتغال در
امور ساختمانی جلب خواهند شد. از جانب بخش عمومی
و خصوصی بویژه در طرحهای بزرگ که مستلزم ایجاد
دنباله در صفحه ۲

کارگران ساختمانی در ایران که هم اکنون
تعدادشان فزون از ۷۵۰ هزار نفر است در
سخت ترین شرایط ممکن استثمار میشوند. این توده
عظیم کارگر تا همین امروز از استفاده از مزایای قانون
کار و بیمه های اجتماعی، بهداشت و ایمنی محیط کار،
تأمین مسکن و بهره یابی از فعالیت آزاد سندیکائی
و اتحادیه ای محروم نگاه داشته شده اند. از کار
کارگران ساختمانی بطور عمده بصورت کارگر موقت،
روز مزد، پیمانی و از طریق واسطه های کار استفاده
بعمل می آید که شرایط زندگی آنها را طاقت فرساتر
می سازد. ضربات جزیرمدهای اقتصادی، تورم و گرانی،
بیکاری و محرومیت از شغل و مسکن ثابت نیز در نوبه
اول متوجه کارگران ساختمانی است که وضع عمومی
آنها را دشوارتر میکند.
کارگران ساختمانی برای راهائی از این وضع غیر قابل
تحمل سألته است مبارزه میکنند. آنها بقی خواسته اند
که قانون کار و بیمه های اجتماعی تمام و کمال در
موردشان به اجرا گذارده شود و کارفرمایان در کارگاه
های ساختمانی بر رعایت مقررات حفاظت فنی و بهداشت
و اجراء مصوبات و آئین نامه های کار موظف گردند.
کارگران ساختمانی برای افزایش دستمزدها و پرداخت
منظم آن به پول و نه بایجس و یا پته، برای تقابل
ساعات کار به هشت ساعت در روز، استفاده از تعطیلات
هفته و سالیانه، بیمه دائم و دریافت مستمری از کار
افتادگی و باز نشستی و پایان دادن به فعالیت واسطه ها
و دلالان در بازار کار مبارزه میکنند.
کارگران ساختمانی میخواهند قانون و مقررات
بیمه بیکاری تصویب و به اجرا گذارده شود تا همه
کارگران بویژه خود آنان بهنگام رکود و تعطیل
کارهای ساختمانی باقر و مرکز از گرسنگی مواجه نباشند.

افزایش بیسابقه هزینه های نظامی

بر عمق خیانت رژیم شاه می افزاید

شاه بودجه سال ۱۳۵۴ را بوسیله چاپار خود
رای تخصیص (نه تصویب) به مجلس فرستاد.
چه ایست بیسابقه، هم از لحاظ حجم و هم از
خی خصوصیات آن. آنچه در این بودجه
نیلیارد ریالی (۳۵ میلیارد دلار) بیش از همه
بخوره، هزینه های نظامی پیش بینی شده در
هزینه های نظامی ۲۸ درصد بودجه عمومی کشور
د بلید. تازه، این هزینه ایست که مستقیماً
وزارت جنگ گذارده شده است. هزینه های
ننگین مربوط به صنایع نظامی، احداث بنادر
ها و شبکه های ارتباطی و مخابراتی و ساختمان
لنی و حتی قسمت بزرگی از هزینه های مربوط
سازی و آموزش که در بخشهای اقتصادی و
بودجه دولت منظور شده، هزینه های هستند
لنی که اگر تمام آنها را بحساب آوریم، شاید
نظامی رژیم از ۵۰ درصد بودجه کشور نیز
بیشتر
ولی همین هزینه های مستقیم نظامی نیز میتواند
شد ملی و شدت خیانت این رژیم خونخوار

حاکم بر سرنوشت مردم ایران را آشکار سازد. واقعیت
های نهفته در این رقم ۲۸ درصد را اندکی بشکافیم،
۲۸ درصدی که به هزینه های نظامی تخصیص یافته
برابر ۵۲۵ میلیارد ریال یا در حدود ۸ میلیارد دلار
است، این رقم در حدود دو برابر مجموع هزینه های
نظامی دولت ایران طی ۵ سال برنامه چهارم کشور
است. نه فقط حجم بودجه کل کشور بیسابقه است
بلکه هزینه های نظامی آن نیز بیسابقه تر است.
رژیم شاه تا کنون بیش از کشورهای عضو
سازمان تجاوزگر ناتو از تولید ناخالص ملی میهن ما را
صرف هزینه های نظامی میکرد. کشورهای اروپائی
عضو ناتو در حدود ۴ درصد تولید ناخالص ملی خود
را صرف هزینه های نظامی میکردند. ولی دولت ایران
۶ درصد آنرا، ایران از این لحاظ فقط با ایالات
متحده آمریکا که بزرگترین سهم را در هزینه های نظامی
ناتو بعهده دارد، کون برابری میزد، زیرا هر دولتی از
۶ درصد تولید ملی کشور را در راه هزینه های نظامی
بهدر میدادند. ولی دولت ایران در سال ۱۳۵۴
دنباله در صفحه ۲

